

همیشه‌داری

صفحه آخر

چوباد، عزم سر کوی یار خواهیم کرد
نفس به بوی خوشش مشکبیار خواهیم کرد

حافظ

مهمشهری: www.hamshahronline.ir
سایت‌روزنامه: newspaper.hamshahronline.ir

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال فرینی، شماره ۱۴
کدپستی: ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ | تهران، صندوق‌پستی ۱۹۳۵۱۵۴۴
تلفن: ۲۲۰۴۶۰۶۷ | فاکس: ۲۲۰۳۳۰۰۰

چاپ: همشهری
تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

توزیع و اشتراک: موسسه نشرگستر امروزین
تلفن: ۶۱۹۲۳۰۰۰

پدیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰
تلفن: ۸۴۳۲۱۰۰۰

حضرت امیر المؤمنین علی:
کسی که نرمخو باشد، دوستی و محبت را در قوم خود پاینده دارد.

آدان طلهر: ۱۳:۱۱ | فسرپ آفتاب: ۲۰:۱۲
آدان فسرپ: ۲۰:۳۲ | نیمه‌شب‌فسرعی: ۰۰:۲۲
آدان صبح: ۴:۳۱ | طلوع آفتاب: ۶:۰۹

صاحب‌امتیاز: مؤسسه همشهری
مدیرمسئول: عبدال.. گنجی
سرمدیر: دانیال معمار

باشگاه نویسندگان

چهارشنبه

قانون شکنی «مدال» نیست!



چاپلین کبیر در اواخر فیلم «موسیو وردو» دیالوگی دارد که باید به خط زر نوشت و تا پایان دنیا مقابل دیدگان بنی بشر قرار داد. «وردو» که به اتهام قتل چند نابوی نروتمند سالخورده محاکمه می‌شود، با طعنه به قاضی و دادستان و شیوه و غیره می‌گوید: عجیب است که آدم اگر چند نفر را با طناب بکشد قاتل است و به اعدام محکوم می‌شود ولی اگر هزاران نفر را با توپ و بمب و مسلسل بکشد می‌شود قهرمان جنگ و مدال هم می‌گیرد!

این دوگانگی عجیب که بسیاری از امور برای عموم ممنوع و گناه است ولی برای برگزیدگان مباح، از تناقضات همیشگی داستان انسان بوده و شاید امروز هم فرق عمده میان جوامعی که تمدن نامیده می‌شوند با سایر ملل و نحل، رفح همین تناقض عمده به مدد آموزش و روشنگری و اجبار باشند. در اخبار می‌شنویم که نخست‌وزیر فلان کشور به واسطه سهل‌انگاری در برگزاری مهمانی در ایام کرونا و ادای چند دروغ برای لاپوشانی آن، چنان مورد انتقاد و بازخواست و مقابله عمومی قرار می‌گیرد که دستگاه حاکمیت ناچار از استیضاح مکرر و در نهایت هم عزل او می‌شود، حتی به قیمت انداختن مملکت در گراب بحرانی سیاسی، بگذریم از شیوه زندگی و کار مسئولان ممالکی که قرار نبوده در هیچ‌یک از شئون برای ما الگو باشند، ولی در مآلام به طرز حیرت‌انگیزی مطابق نصیحت‌های بزرگان دین و فرهنگ سازندگی و رفتار می‌کنند؛ ساده‌زیست و ساهی‌اند و نرفاکن رسانه‌های جمعی هم مدام بر تمام زوایای زندگی و درایبی‌هایشان می‌تابد و چیزی که مایه شرمساری باشد نمی‌یابد.

البته قرار نیست همه مرغ‌های سزم‌زمن‌های دور را گله غاز بپنداریم، در همان حوالی هم تحقیقات اجتماعی نشان می‌دهد ساکنان طبقات بالای اجتماع مومماً دچار عارضه خود برتر بینی‌اند و هر جا جانوران یا دوربین‌رسانه در کار نباشد در گفتار و رفتار مضداق از ما بهتراند ولی تفاوت اینجاست که آن طرف‌ها تخطی از حدود قانون برای هیچ «از ما بهتری» مجاز و بدیهی نیست و به محض آنکه کسی پیش‌را از ادب‌راه خودپسندی و بی‌شوری دراز کرد و از خط قرمز قانون رد شد، به او اعتراض می‌کنند و اگر افاقه نکرد دودمانش را به باد می‌دهند، تا جایی که بارها و بارها ناچار به عذرخواهی از عموم مردم شود و باد غیبتش را بیشتر افکار عمومی خالی کند!

این طرف‌ها اما مدار دنیا بر معیار دیگری می‌چرخد و انگار نخستین نشانه «زرمگی» همانا تقدیم مقرض طلائی برای قیچی زدن رویان قانون است! پدري که بر گفتار و رفتار فرزندان ایراد می‌گیرد، خود را مجاز به زیر پا گذاشتن آداب و پوشش و سخن می‌داند، و رئیس اداره و پنگاه از رعایت ساعات ورود و خروجی که زیردستان مکلف به رعایتش هستند آزاد است! ورود خودروی شاسی بلند چند میلیاردي به معیمر ممنوع و بی‌محل‌اش به حق تقدم سایرین برای همه عادی است و کنسی از توهین زورمدار به فرودست اندوهگین نمی‌شود. صف منتظران خدمات عمومی هرگز به قدم‌مدبران کل‌زمین نمی‌شود، ولی فرق کردن اماکن همگانی حق مسلم‌شان است. عبور از چراغ قرمز و خط ویژه و صف انتظار پرواز و غیره و غیره گویا جزو حقوق اولیه و مادرزادی اعظام قوم است، و انتظار شفاف‌سازی و پاسخگویی در باب امور محوله از آنان جزو خیالات محال به شمار می‌رود. تازه اگر پرسش‌کننده بیچاره گوشمالی نشود!

چه کنیم که زیر آسمان ما هم قانون‌شکنی و قانون‌گریزی لکه رنگی بر پیشانی‌ای‌ما بهتران شود و نه مدال افتخار بر سینه‌شان؟ کدام شیوه درمانی ممکن است مانع از آن شود که بعد از خود پیشرفتی مثل قبل می‌مانیم تا سایرین را در جایگاهی فرور از خود و خود را مستحق‌خوارشماری آنان بینیم؟ این همه‌گیری مرگبار عقده‌مندی را کدام واکنش‌نجات‌بخش درمان خواهد کرد تا دیگر صلح‌های ترقی‌را با لگدکوب کردن آداب و قوانین‌طی نکنیم و پل‌دانشینی‌مان از تسعه‌صدر باشند، نه از دوالیایی؟ واقعا تا کی و کدام و چگونه؟

خاکستری‌های روبه سفید



آدم‌ها خاکستری هستند؛ نه تماما سفید و نه یکسرسیاه. باور دارم بسببیری از آنها که پلید و تیره می‌بینیم، نطفه‌ای روشن در ضمیرشان هست؛ روزنی که می‌شود اما می‌بست، قد بکشد و از تاریکی‌ها بکاهد.

همین چندروز پیش شنیدم دزدی چراغ سقفی سردرد دکانی را زده‌دیده است اما سر سیم‌ها را برهنه رها نکرده و با چسب پوشانده. حالا مدام آن دزد در کوچه پس‌کوچه‌های خیالات راه می‌رود. او را می‌بینم که دلش نمی‌خواهد چون بسیاری از آدم‌ها مشقت حرف‌های سخت را به جان بخرد. پس شب‌نگام راه می‌افتد در خیابان‌ها و کوچه‌های شهر. لبه کلاهش را می‌کشد پایین اما حواس‌اش به دور و بر است. سر می‌چرخاند و هر کجا مالی دید که می‌شود ربود، می‌ریابد. همین آقای دزد اما به دلش نیست، برق کسی را بگیرد.

او که از خیالم می‌رود، دزدی دیگری می‌آید؛ یکی که آخرین روز از فصل بهار، وقتی واژه‌های رکود و تحریم و تعدیل نیرو چنگ می‌زدند به سینه‌شان، راه افتاده سمت خانه، رفته و نشسته توی اتاق و دلش نیامده به همسرش بگوید بیکار شده، نشسته و رفته‌است خانه. در جمعه ابرار کوچکش را باز کرده همان‌جا تا گوش‌هایش بر شیود از صدای دخترکش که دندان‌درد اماانش را بریده، طاقت نیاورد، دم غروب سر گذاشته به خیابان‌های پهن و باریک، به کوچه‌های کوتاه و بلند. بر گشته‌ست خانه و صبح دوباره رفته، هسی زنگ زده، گردن کج کرده، بیکاری را ماهایش نکرده، وسط همین گشتن‌ها چشمش افتاده به چراغ سر در یک دکان، دودوتا چهار تا کرده، بعد سیم‌های دروش که قد یک نقطه بود، قد کشیده، رفته‌است خانه. در جمعه ابرار کوچکش را باز کرده و حواس‌اش بوده که چسب بردارد تا سر سیم لخت نماند و برق کسی را نگیرد. بعد هم در آبی خانه اجاره‌ای را بسته و سر گذاشته به خیابان؛ خیابانی تاریک.

نهال خوب برای نسل خوب



خیلی‌ا ز ما دهه هشتی‌ها و البته نسل‌های قبل‌تر، خاطره قسه‌گویی‌های پدربزرگ‌ها و مادر بزرگ‌هایمان وقتی دور کرسی جمع شده بودیم، را خوب به یاد می‌آوریم. قسه‌هایی که مرغ‌خیالمان را پرواز می‌داد و دنیای ناشناخته‌ای را بر ایمان تصویر می‌کرد. بچه‌های نسل‌های بعد از ما، کمتر با دنیای قسه‌ها و داستان‌های خیالی آشنایی دارند و دنیایشان اغلب با بازی‌های کامپیوتری‌گره خورده است. به همین دلیل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور قرار است دومین دوسالانه قسه‌گویی را با عنوان «نهال امید» با شعار «قسه خوب، نسل خوب» و با هدف ترویج قسه‌گویی برگزار کند. این جشنواره در ۲ بخش قسه‌گویی صحنه‌ای و قسه‌گویی دیجیتال و در ۳ سطح ملی، منطقه‌ای و استانی برگزار می‌شود. علاقه‌مندان به شرکت در این جشنواره می‌توانند با فیلمبرداری از قسه‌گویی خود به‌صورت حضوری و بر صحنه، بدون استفاده از جلوه‌های صوتی و تصویری و تدوین، به وبگاه جشنواره ارسال کنند. آنهایی هم که قصد دارند در بخش قسه‌گویی دیجیتال شرکت کنند، باید قسه‌گویی خود را در بستر نرم‌افزارهای دیجیتال و به‌صورت الکترونیکی (ترکیبی از تصویر، ویدئو، متن، صدای قسه‌گویی، انیمیشن و غیره) تهیه و فایل ویدئویی خود را به جشنواره ارسال کنند. در این جشنواره موضوعاتی مثل «مسائل روز جامعه»، «موضوعات آزاد»، «سبک زندگی ایرانی-اسلامی»، «شعار سال»، تولید دانش‌بنیان و اشتغال آفرین» (موضوع ویژه) به‌عنوان موضوعات محوری در نظر گرفته شده. ضمن اینکه تمامی محورهای فوق با رویکرد انگیزشی، امیدآفرینی، هویت‌بخشی و توجه به معنویت و اخلاق تعیین شده است. این جشنواره می‌تواند نسل جدید را با قسه‌های قدیمی آشنا و بار دیگر این داستان‌ها را زنده کند. علاقه‌مندان برای شرکت در جشنواره تا ۳۱ مرداد ماه فرصت دارند آثار خود را به جشنواره ارسال کنند. پس از بررسی آثار رسالی و داوری، افراد واجد شرایط به تفکیک استان انتخاب می‌شوند.



وقتی فحش به آزمایشگاه می‌رود

دانشمندان به سرعت سراغ آزمایش رفتند و حتی به افسراد داوطلب این آگاهی‌را دادند که آنها برای یک تحقیق در معرض ناسزا قرار می‌گیرند. نکته جالب ماجرا این بود که نتایج آسکن مغزی داوطلب‌ها حتی هنگام ناسزا و توهین ساختگی هم درست مانند موارد قبلی و البته سیلی خوردن بود. پژوهشگران دانشگاه اوترخت هلند که تلاش می‌کردند ارتباط میان احساس و زبان را بررسی کنند، در جریان این تحقیق واکنش‌های مغز ۷۹ زن را با استفاده از فناوری الکتروانسفالوگرافی



راه‌های التیام زخم قدرت

«خورخه بر گولیو» از آرناتینن که حالا «پاپ فرانسیس» وایتکان نام دارد و در مقام رهبری کاتولیک‌های جهان، بر سر مقدس تکیه زده، این روزها به کانادا سفر کرده است. پادشاه حکومت دینی کاتولیک‌های جهان، به سرزمینی در آمریکای شمالی با حکومتی زیر نام پادشاه بریتانیا و کشورهای مشترک‌المنافع رفته است تا «به نام خدا»، توبه کند از رنجی که بومیان کانادا از کلیسای کاتولیک متحمل شده‌اند.

بومیان کانادا، همان سرخپوستانی که کودکان آنان به زور و به‌منظور جذب در فرهنگ حاکم، به مدرسه‌هایی برده شدند که مدیریت بیش از ۷۰ درصد آنها با کلیسای کاتولیک بود تا شبانه‌روزی، با آموزش مداوم، جذب فرهنگ و زبان و دین حاکمائی شوند که قرار بود آنان را تمدن کند. زین نمط کودکان‌شان، آنجا به تحصیل و کار مشغول شدند و زیست‌گروهی آموختند. البته این همه ماجرا نبود؛ بعدها کمیسیون حقیقت‌یابی و آشنی کانادا در بررسی‌های بسیار، کشف کرد که شمار زیادی از این کودکان مورد سوءاستفاده اخلاقی و جنسی قرار گرفته‌اند، از آنان کار اجباری کشیده شده است، به شمار بسیاری، تجاوز شده است و دربراره بخش بزرگی از آنان که به آغوش خانواده بازنگشته‌اند، مدرسه پاسخگو نبوده و از سر نوشت آنان ابراز بی‌اطلاعی کرده است. کم‌کم که نشانه‌های شفاف‌تری از این ماجرا یافت شد، فناوری ماهوارهای و راداری به کمک کشف حقیقت آمد و گورهای دسته‌جمعی در منطقه‌هایی بومی کشف شد که این کودکان جدا شده از خانواده‌های خود، در آنجا به‌صورت مخفیانه، به خاک سپرده شده بودند. شمار این کودکان تا ۱۵۰ هزار تن تخمین زده شده و شمار حدودی این گورهای نیز از یک‌هزار گذشته است. رهبر کلیسای کاتولیکی که بیش از ۱.۲ میلیارد پیرو دارد حالا دارد از بومیان کانادا برای این همه جنایت پوزش‌خواهی می‌کند. آدمی یاد تماشای فیلم «دو پاپ» می‌افتد که در آن رقابت برمیسل کار دینال «جوزف راتسینگر» آلمانی و حضور بی‌میل کاردینال «خورخه بر گولیو» آرناتیننی در قصر تماشایی وایتکان شروع جذابی دارد. ماجرا که پیش می‌رود

دوراوی تطهیر، بندیکت شانزدهم آلمانی، بی‌کناره‌گیری، گفته بود این خدمتگزار وفادار کلیسا که طعم شیرین زندگی را نجشید، پیرانه‌سر می‌خواهد بیشتر زندگی کند و پاپ بعدی، فرانسیس، به سنت اعتراف، خود را اسبک کرد و گفت که در زمانه حکومت استبدادی نظامیان در آرناتینن، بی‌طرفی اختیار کرد تا کشیشان بمانند، هر چند بعد از آن، بی‌شمار انسان کشته شدند. تماشای «توبه» برای «تطهیر» گذشته جالب است، که چون انسان، موجودی فرض می‌شود که با اعتراف، سبک می‌شود و اینجا تاریخ دارد سبک می‌شود از این همه استبداد و جنایت؛ با این جمله که «حکومت‌های استبدادی حق انتخاب ما را می‌گیرند» و «ضعف‌های ما را آشکار می‌کنند».

در آن فیلم از دیالوگ آ‌پاپ کنونی و قبلی، این سلیبی محکم به‌صورت مخاطب می‌خورد که کلیسا درباره آزار جنسی ۹ کودک سکوت کرد تا ایمان آن ۹ میلیون پیرو کلیسا ضربه نخورد و گناه کشیشان هم لکه‌ای فرض شد که با اعتراف، پاک می‌شود و تا همداری نیامد، پاپ وقت، نشنیده بود که گناه و جنایت، لکه نیست که پاک شود، زخمی است عمیق، که بر روح و جان انسان‌ها می‌ماند.

هر دو پاپ البته زخم زبستن در زمانه استبداد را نیز چشیده بودند و این پاسداران سنت اعتراف‌گیری، روزی خود هم به عرصه سخت اعتراف رسیدند، حتی اگر در مقام و قدرت بزرگ‌تری قرار داشتند. چنان که شاید بشود گفت همان فیلم هم، برای سرازیری خم مخاطبان بود علیه پاپ مستعفی پیشین، تا بر پاپ کنونی مومن بمانند. ولی حالا بر صفحه تلویزیون، جهان دارد تماشای می‌کند که پاپ دارد یا می‌بوسد کرمانشاه، درگیری‌ها شروع شد و ورق بر گشت. مناقبین که انتظار مقاومت و درگیری نداشتند، جا خورده بودند و خیلی زود پشتگرت چهره‌ریز که الان «مرصاد» نامیده می‌شود، متوقف شدند. رزمنده‌های ایرانی که ظرف یکی، دو روز ساماندهی شده بودند، عملیات را به نام «مرصاد» آغاز کردند. تنها ۲روز بعد، مسعود روحی فرمان عقب‌نشینی را صادر کرد. به نیروهای مناقبین دستور داده شده بود که هر طرور شده، سواره و پیاده از هر راهی که می‌توانند خود را به عراق برسانند. بعد از دوباره، به توبه و تیره و تطهیر باز گشت! پاپ دهه سوم و هزاره سوم، نیک می‌داند که از راه‌های التیام زخم قدرت، پیشگیری از باز شدن زخم‌های جدید است.



گرتینوئچ

گذرنامه جعلی برابر اصل



لندن: رسانه دیلی میل طلی گزارشی در گفت‌وگو با کارشناس‌ها تأیید کرد که گذرنامه‌های جعلی جدیدی که در آلبانی تهیه و توزیع می‌شوند از نظر تکنولوژی چاپ، هولوگرام و واترمارک‌ها تفاوتی با انواع اصل آن ندارند و این کار نگهبان‌های فرودگاه‌ها در انگلستان را بسیار دشوار کرده است. این گذرنامه‌ها که به قیمت ۳۵۰۰ پوند خرید و فروش می‌شوند بیشتر در شبکه‌های اجتماعی مانند تلگرام و تیک‌تاک تبلیغ می‌شوند و مامورهای فرودگاه‌ها از روش‌های دیگری برای پی بردن به جعلی بودن گذرنامه‌های یادشده استفاده می‌کنند. اخیرا مأموران یادشده با طرح پرسش‌هایی که دروغ مسافران قاچاق را نمایان می‌کند چنین افرادی را دستگیر می‌کنند. گذرنامه‌های جعلی همچنین به مجرمان و تروریست‌هایین امکان را می‌دهد که به‌طور کامل پشت‌هویت جعلی خود پنهان شوند. با تقلب، شغل پیدا و به‌راحتی برای خود حساب بانکی باز کنند. به همین دلیل بازرسی‌های مرزی انگلستان با دارندگان چنین گذرنامه‌هایی بر خورد قانونی شدیدی می‌کند.

کمر بند ۶میلیون دلاری



دالاس: یکی از مهم‌ترین کمر بندهای قهرمانی محمد علی کلی، اسطوره بوکس جهان که در مبارزات دسته سنگین وزن کسب شده بود به قیمت ۱.۸ میلیون دلار فروخته شد. محمد علی این کمر بند را اسال ۱۹۷۴ در مبارزه‌ای سنگین موسوم به «عرش جنگل» مقابل جورج فورمن، قهرمان بدون شکست آن زمان دسته سنگین وزن جهان در کینشاسا به‌دست آورد. اسطوره بوکس جهان در این مبارزه معروف که یکی از مهم‌ترین رویدادهای ورزشی قرن بیستم لقب گرفت پیش از پایان راند هشتم در حضور ۶هزار تماشاگر جورج فورمن را ناک‌اوت کرد و صاحب کمر بند قهرمانی سنگین وزن بوکس جهان شد. کمر بند قهرمانی محمد علی کلی در یک حراجی شهر دالاس آمریکا به فروش گذاشته شد.

راز پرواز نکردن پنگوئن‌ها



لندن: تیمی از محققان بین‌المللی می‌گویند با تجزیه و تحلیل ژنتیک پنگوئن‌ها دریافته‌اند که چگونه این حیوانات در حدود ۰۰ میلیون سال پیش از اجدادی با قدرت پرواز، به شناگران آب‌دوست امروزی تکامل یافته‌اند. آنها با استفاده از داده‌های ژنتیک و فسیل‌های موجود، ژنوم پنگوئن‌ها را با ژنوم پرندگان دیگر مانند پلیکان و مرغ دریایی آلبارتوس مقایسه کردند. به گزارش ایندپندنت، آنها دریافته‌اند که بدن پنگوئن‌ها در واکنش به تغییرات آب و هوایی گذشته زمین تکامل یافته و به‌طور متحصص به فردی برای توانایی تطبیق با سخت‌ترین شرایط سازگار شده است. دانشمندان تصور می‌کنند خاستگاه اصلی پنگوئن‌های باستان، نیوزیلند در نزدیکی سواحل استرالیای در حدود ۶۰ میلیون سال پیش بوده است و این جانوران سپسی از آن‌جا به آمریکای جنوبی و قطب جنوب مهاجرت کرده‌اند. به گمان محققان حدود ۳۰ تا ۴۰ میلیون سال پیش گروه‌های بعدی پنگوئن‌ها احتمالا سوار بر یک جریان اقیانوسی قوی، به نام «حریان پیراقطبی جنوب‌گان»، به سمت قطب جنوب آمده‌اند. پنگوئن‌ها قبل از تشکیل لایه‌های یخی قطبی توانایی خود را برای پرواز از دست داده‌اند چرا که بلند شدن از زمین، برای پرندگانی که در حال تبدیل به شناگرانی ماهر بودند، مستلزم صرف انرژی زیادی بود.